

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

Literary-Cultural

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

ادبی - فرهنگی

تیمورشاه تیموری

## مجنون و صحراء

به خاطر بگذرد هرگاه و بیگا  
به هر سو نام لیلی جست و جو کرد  
چو طفلی بهر مادر بود پویان  
دویدی هر طرف فریاد کردی  
دریدی پیرهــن را تا بدامن  
ز کردار پسر محزون همیبود  
که ای بهتر ز مروارید و گوهر  
ز یاران و دیار خــود بریدن  
ز حال دیگــران پرسان میکن  
نباید کــرد زین پس بیقراری  
یکی بدریده و اینک دگر دید  
دریدا پیرهــن، جــانش بیازرد  
بنزد قــوم و اهل خبرت آمد  
از ایشان خــواست راه خوبتر را  
که آن سیمش نگه دارد شب و روز  
کزین بدتر نگــردد حال ابتر  
شود تا کــار از بهر تو آسان

مرا این قصه از مجنون و صحرا  
که مجنون جانب صحرا چو رو کرد  
بگفتی لیلی و میبود گــریان  
بسر خاکی ز حسرت باد کردی  
بگفتی لیلی من، لیلی من  
پدر از درد او دلخــون همیبود  
نصیحت کــرد مر او را مکرر  
نشاید مر ترا این گــونه بودن  
بگیر این پیرهــن در جان میکن  
بس است این گریه و افسوس و زاری  
چو مجنون باز پیرهــن به بر دید  
بزد فریاد و دستی بر یخن برد  
پدر زین کــار او در حیرت آمد  
بگفتا حــال و احوال پسر را  
یکی گفتا که سیم در پیرنش دوز  
دگــر گفتا که زنجیرش بیاور  
دگــر گفتا که چرمینه بپوشان

خلاصه هریکی آنچه توانست  
 در آخر گفت یک مرد ستوده  
 که از لیلی بگوید کار مجنون  
 فرستاقاصدی بر نزد آن حور  
 که یک تاری بده از بقچه خویش  
 پدر آن تار بگرفت و بیفروخت  
 از آن پس پیرهـن پاره نمیساخت  
 عجائب نیست از عشق این حکایت  
 محبت از چه دارد اوج قدرت؟  
 جهان گـردنده بر روی محبت  
 به قلبت تا که تخم مهر کشتی  
 محبت گـر کند پر قلب ما را  
 تو قلب خود منور ساز از عشق

بگفتند و ولـی یک کس ندانست  
 به خوب و زشت دنیا آزموده  
 بجز او کس نباشد یار مجنون  
 بگویندش از آن مجنون مهجور  
 تسلی کن دل دیوانه خویش  
 بگردا حلقه دور پیرهـن دوخت  
 ولی در درد و غم میسوخت و میساخت  
 عجائب تر بود اندر روایت  
 فلاطون میدهد پاسخ به ندرت  
 گـریزد دیو از کوی محبت  
 در آن راهی ندارد خودپرستی  
 دگر جائی نیابد عشق دنیا  
 مبرهـن میشود هر راز از عشق

خـدایا عشق پاکانت بمن ده

از آن نور فـروزانت بمن ده

۱- لیلی مجنون را "دیوانه من" میگفت

(المان - ۱۸ نومبر ۲۰۱۱)